

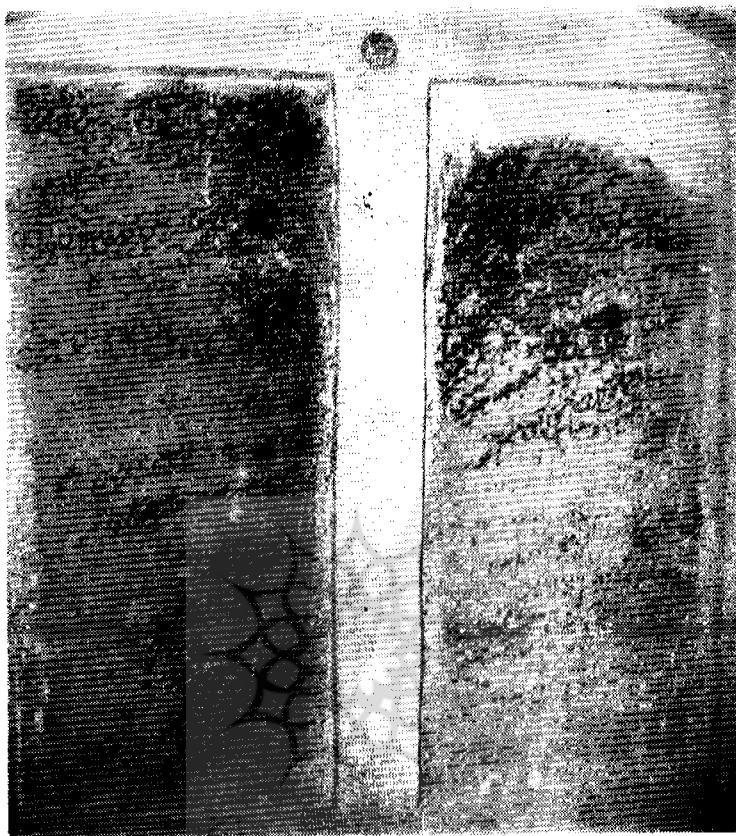
مسجد جامع سمنان یکی از مساجد بسیار قدیمی و کهن ایران است که در طول زمان چندین مرتبه خراب و بعد ترمیم و ساخته شده و تغییراتی نیز در آن به وجود آمده است ولی در حال حاضر در مسجد مذکور آثار دوره سلجوقی دیده میشود .

هر حوم صنیع الدوله در کتاب هیر آت البلدان در باره ساخته آن مسجد جامع سمنان مینویسد : (گویند در زمان حضرت امیر المؤمنین علی بن ابیطالب عليه السلام آن حضرت فرمودند که از کوفه تا بخارا هزار و یك مسجد بنداشند در زمان حکومت عبدالله بن عمر - اعیان سمنان مسجد جامع حالیه این بلدرا ساختند

## عبدالرفیع حقیقت (رفیع)

# دو فرمان تاریخی از دوران صفویه در مسجد جامع سمنان

ولی این بنا را چندان عظمتی نبود بعدها بدفهای اشخاص عدیده بر بنای اول افزودند هر کس چیزی علاوه و ملحق نمود مثلاً گنبد غربی و شبستان شمالی را با منار خواجه وند، ابوسعید سمنانی و خواجه نظام الدین در عهد سلطنت سنجار سلجوقی ساختند و شبستان حنوبی را شیخ رکن الدین علاء الدوله سمنان در زمان وزارت ارغون خان بنا نمود و چون خواجه بهم رسانیده بود در زمان خاقان خلد آشیانی فتحعلی شاه طاب ثراه ذوالفقار خان سمنانی به تجدید آن پرداخت مسجد شرقی را خواجه کیقباد بن ملک شرف الدین سمنانی ساخته واپس مقصل به گنبد را



خواجه عز الدین محمد بالیچه سمنانی وزیر شاه رخ بنا کرده است. خلاصه وضع این مسجد به وضع مساجد اهل سنت شبیه است هزاره بلند دارد و وقفه آمه مسجد در دو صفحه سنگ مر تسم و بدیو ارد نصب است مقصوده این مسجد مربع متواوی الاضلاع و چهارده قدم در چهارده قدم میباشد ارتفاع گنبد مقصوده تقریباً چهارده ذرع و ارتفاع ایوان مقصوده بیست ذرع است).

در بالای ایوان کتیبه ایست که علوم میدارد ایوان مذکور در زمان شاه رخ شاه تیموری در حب سال ۸۲۸ هجری به همت وزیر وی خواجه عز الدین محمد بالیچه سمنانی ساخته شده است، در ایوان این مسجد چند لوح سنگی نصب است که متن فرمان پادشاهان صفوی است که طبق معمول آن زمان بر روی سنگ



تصویر فرمان

سام میرزا

صفوی معروف

پادشاه صفوی

که در سمت

چپ ایوان

مسجد جامع

سمنان نصب

است.

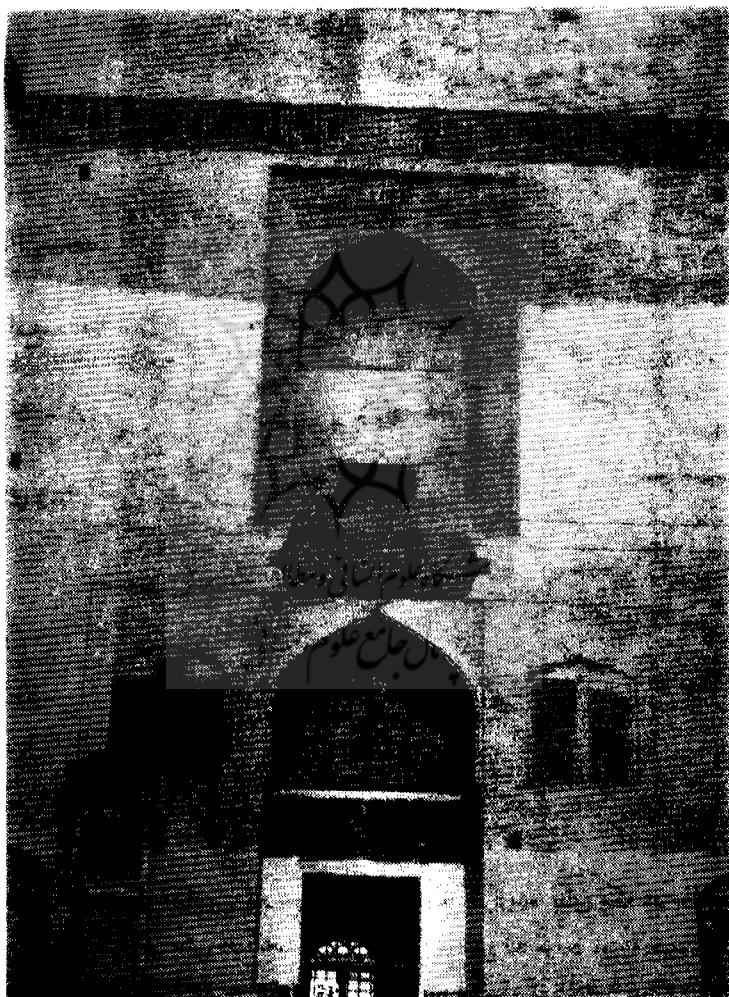
حک نموده و برای اطلاع عموم در هم ساجد نصب مینمودند در بین الواح مذکور دو فرمان از نظر موضوع و مطلب بسیار جالب توجه و مورداهمیت است که به ذکر آنها مبادرت میشود . (۱)

فرمان اول مر بوط به دوره سام میرزا صفوی معروف پادشاه صفوی است که یکسال بعد از مرگ شاه عباس کبیر یعنی در سال ۱۰۳۹ هجری قمری صادر شده است از متن این فرمان مهم تاریخی که زرباره اخذ مالیات ناحیه سمنان نوشته شده و در سمت چپ ایوان نصب شده است چنین استنبط می گردد که در زمان

۱ - برای اطلاع بیشتر در این مورد در جو ع شود به تاریخ سمنان تأثیف نگارند .

سلطنت شاه عباس کبیر به مردم سمنان بعلت داشتن مذهب آتشیع از باابت مالیات نقدی  
سالانه پنج یک تخفیف داده بودند.

فقط عمر دم سرخ سمنان که در ۲۰ کیلومتری جنوب غربی سمنان واقع  
است از تخفیف مقرر بر خوددار نبودند و آنهم بطور یکه در هنر فرمان ذکر شده.  
است بعلت مذهب تسنن مردم آن قریه بوده است (لازم به تذکر است که مردم

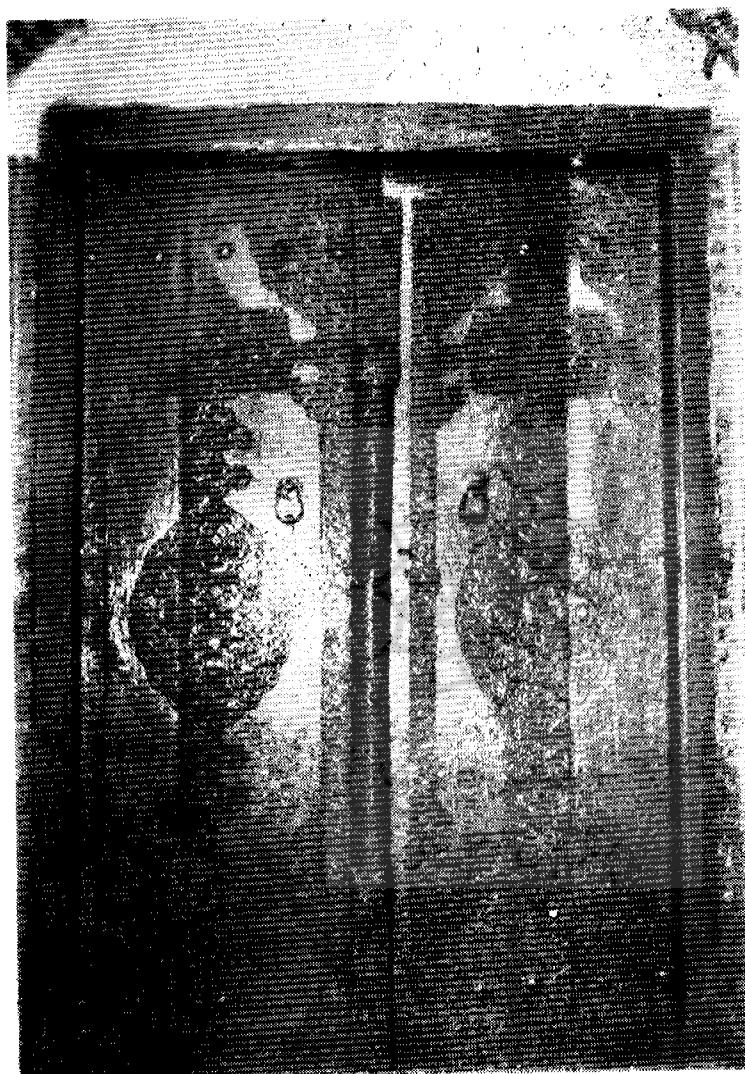


نمای قسمتی

از ایوان

مسجد جامع

سمنان



نمای در

شمالی مسجد

جامع سمنان

با کنده کاری

های زیبا

قریه سرخه بعدازین تاریخ به مذهب تشیع گردیده بطوریکه درحال حاضر حتی یک نفر سنی در آنجا وجود ندارد) مطلبی که مورد توجه میباشد اینکه پادشاهان دوره اول صفوی عموماً برای بسط و گسترش مذهب تشیع و یک پارچگی

فکری و سیاسی مردم کشور ایران در مقابل خطر عظیم و پر اهمیت دولت سنی مذهب عثمانی در تمام ولایات ایران این کار را نموده اند ولی فرمان صریحی در این مورد آنهم به این روشی در جای دیگر یافته نشده است.

فرمان مذکور در تأکید فرمان شاه عباس کبیر صادر شده است و متن آن

چنین است :

هو الـ سـيـاحـاه .. الـمـلـكـالـه .. يـاـ مـحـمـدـوـيـاـ عـلـىـ فـرـمـانـ هـمـاـيـونـ شـرـفـ  
 نـفـاذـ يـاـفـتـ آـنـكـهـ چـونـ تـوـجـهـ خـاطـرـ خـطـيـرـ مـعـدـلـتـ اـنـ وـتـعـلـقـ ضـمـيرـ مـرـحـمـتـ گـسـترـ  
 بـقـرـفـیـهـ حـالـ وـفـرـاغـبـالـ کـافـهـ بـرـایـاـکـهـ وـدـایـعـ بـدـایـعـ حـضـرـتـنـدـ عـلـیـ الخـصـوصـ شـیـعـیـانـ  
 وـمـحـبـانـ خـانـدانـ طـبـیـبـینـ وـطـاـهـرـبـنـ بـدـرـجـهـ اـعـلـیـ وـمـرـتـبـهـ قـصـوـیـ اـسـتـ وـدـرـزـمـانـ  
 فـرـخـنـدـهـ نـشـانـ نـوـابـ گـیـتـیـ سـتـانـ فـرـدـوـسـ مـکـانـ جـنـتـ آـشـیـانـیـ (ـ اـذـاـيـنـجـاـ بـیـالـاـ  
 رـفـتـهـ وـدـرـآـنـجـاـوـشـتـهـ جـدـبـزـرـ گـوـارـمـ طـابـ ثـرـاـ)ـ نـقـدـیـ وـلـایـاتـشـیـعـهـ عـرـاقـ بـمـوـجـبـ  
 حـکـمـ لـازـمـ الـاتـبـاعـ گـیـتـیـ سـتـانـیـ (ـ اـذـاـيـنـجـاـ نـیـزـ بـیـالـارـفـتـهـ وـدـرـآـنـجـاـ نـوـشـتـهـ شـاهـبـاـیـامـ  
 اـمـاـنـالـهـبـرـهـانـهـ مـوـاـفـقـ دـسـتـورـالـعـمـلـ آـنـاـعـلـیـحـضـرـتـشـاـ جـمـجـاهـ جـنـتـ مـکـانـعـلـیـینـ  
 آـشـیـانـوـ،ـ مـقـرـرـشـدـهـ بـوـدـکـهـ دـرـدـفـاتـرـ عملـ نـمـوـدـهـ وـعـمـلـ کـرـدـهـ دـینـارـیـ پـنـجـ دـینـارـاـ  
 اـزـاـبـتـدـاهـ توـشـقـانـ ۹ـیـلـسـالـ سـابـقـ بـرـطـرـفـ نـمـایـنـدـوـدـوـاـزـدـهـ یـکـاـیـامـ رـمـضـانـ المـبارـکـ  
 مـحـالـ مـذـکـورـهـ نـیـزـ اـزـاـبـتـدـاهـ توـشـقـانـ ۹ـیـلـسـالـ سـابـقـ بـقـبـحـخـفـیـفـ مـقـرـرـشـدـ درـمـامـلـهـ بـیـجـینـ  
 کـذـاـمـیـلـ چـونـ چـبـیـعـ اـرـبـابـ وـاـهـالـیـ وـرـعـاـیـاـالـکـاءـ سـمـانـ سـمـتـ ظـهـورـیـاـفـتـهـ حـسـبـ.  
 الفـرـمـانـ نـوـابـ گـیـتـیـ سـتـانـیـ مـالـدـوـاـزـدـهـ یـکـرـمـضـانـ مـحـالـ مـذـکـورـنـیـزـ بـهـ تـخـفـیـفـ  
 وـتـسـدـقـ مـقـرـرـشـدـهـ وـدـرـنـیـوـلاـ اـرـبـابـ وـاـهـالـیـ وـاعـیـانـ وـلـایـاتـ مـزـبـورـ سـیـماـ سـیـادـتـ  
 وـنـجـاتـ پـنـاـشـرـیـعـتـ دـسـتـگـاهـ نـظـاماـلـلـمـیـادـهـ وـالـشـرـیـعـهـ عـبـدـالـلـوـاسـعـ وـرـفـعـتـ پـنـاهـ  
 عـزـتـ وـمـعـالـیـ دـسـتـگـاهـ حـاجـیـ الـحـرـمـیـنـ الشـرـفـیـنـ نـظـاماـ مـیرـزاـبـوـطـالـیـاـ وـسـیـادـتـ  
 نـجـابـ پـنـاهـ نـتـیـحـةـ السـادـاتـ الـعـظـامـشـمـاسـمـیرـمـحـمـدـ طـاـهـرـاـوـرـفـعـتـ پـنـامـعـزـتـ دـسـتـگـاهـ  
 تـوـفـیـقـآـثـارـیـ حـاجـیـ الـحـرـمـیـنـ آـقـامـلـکـیـ بـدـرـگـاهـ جـهـانـ پـنـاهـآـمـدـهـ بـسـعـادـتـ بـسـاطـ  
 بـوـسـیـ مـجـلسـ بـهـشتـ آـئـینـ اـسـتـعـارـیـاـفـتـهـ اـسـتـدـعـاـ نـمـوـدـنـدـکـهـ چـونـ دـرـزـمـانـ نـوـابـ  
 گـیـتـیـ سـتـانـ فـرـدـوـسـ مـکـانـ تـشـبـیـعـ اـیـشـانـ بـدـرـجـهـ وـضـوحـ وـظـهـورـدـپـیـهـ وـسـتـهـ دـوـاـزـدـهـ  
 یـکـ اـیـامـ رـمـضـانـ اـیـشـانـ نـیـزـ بـدـسـتـورـ مـحـالـ شـیـعـهـ بـتـخـفـیـفـ مـقـرـرـگـشـتـهـ تـبـولـدـارـانـ

و همه ساله داران موافق عمل شیعه دستور العمل زمان اعلیحضرت شاه جمجمه جنت مکان علیین آشیانی با ایشان عمل نموده دیناری پنج دینار طلب نمایند .

اینجا با لمسؤلهم بنا بر ظهر ور تشیع ارباب واهالی و صواحب و عجزه و رعایاء الکاء مزبور وجه خاطراشرف بقرقیه حال ایشان و شفقت مرحمت بیدارین شاهانه درباره اهالی واعیان و عجزه الکاء مذکور فرموده ازا بتداء سه ماهه بیلان ئیل مقرر فرمودیم که مستوفیان عظام کرام دیوان اعلاء مال نقدی و بلده و بلوکات الکاء مذکور را سوای قریه سرخه موافق دستورالعمل زمان شام جنت مکان علیین آشیانی که در محال شیعه معمول است در دفاتر عمل نموده دستورالعمل دیناری پنج دینار را بر طرف نمایند که موجب رفاه حال و فراغ بال شیعیان گشته و در دعا گوئی دوام دولت روزافزون افزایند و مشوبات آن بر روح پر فتوح آن حضرت فردوس منزلت و روزگار فخر خنده آثارهای مایون ماعاید گردد حکام و تیولداران الکاء مذکور موافق عمل کرد شیعه با عجزه و رعایا ولایت سمنان سوای قریه سرخه عمل نموده دیناری پنج دینار طلب ندارند و همه ساله داران بهمین دستور عمل نموده طلبی ننمایند و ازه مواجب همساله خود بر طرف دانسته بدیوان آمده آنچه کسر نموده باشد عوض از دیوان بازیافت نمایند و اکثر تیولداران بر سین احداث نمایند بعمل رسوم داروغگی که داخل احکام ایشان شده باشد و بموجب حساب شود طلمی ننمایند و ارباب واهالی و عجزه اعیان و رعایا وزیرستان آن ولایت برین عطیه والا که دانسته درباره ایشان سمت ظهور یافت مسروشادمان بوده آنار بهجت و شادمانی بقاورد آورند و آرزوی امیدواری تمام و استظهار مالا کلام بتكثیر زراعت و عمران و آبادانی کوشیده در مراسم دعا گوئی ثبات و بقای دولت ابدی بیوند افزایند و صورت این حکم همایون را بر سینگی نقش کرده در مسجد جامع و محل مرتفع که منظور انتظار خلائق باشد نصب نمایند و درین باب قدغن دانسته هرساله حکم مجدد نطلبند و چون پر وانجه بهرا شرف رسماً تماد نمایند تحریر افیشه ر جمادی الثاني ۱۰۳۹

(هزار و دویی نه) .

متن فرمان دوم که درست راست ایوان مسجدجامع سمنان نصب است  
مر بوطه؛ دوره سلطنت سلطان حسین صفوی است که در سال جلوس خود یعنی  
۱۱۰۶ هجری قمری برای حاکم خواروسمنان نوشته و در آن تأکید نموده.  
است که اهالی آن سامان را لزق‌نمود و سایر مجرمات بازدارد و عموم عاصیان و  
بدکاران را در حضور ریش سفیدان توبه دهد و چنانچه از عمل خود منصرف نشدند  
در انتظار عامه حدبز نند مخصوصاً در آخر فرمان نوشته شده است که اهالی واو باش  
را لازکبوتر پرانی و کرک دوانی و نگاهداشتمن گاو و قوچ و سایر حیوانات  
جهت جنگک و پر خاش منوع ساخته و متن فرمان را بـ سندگ نقش نموده و در  
مسجد جامع نصب نمایند.

اکنون متن فرمان دوم .

بسم الله الرحمن الرحيم .. حکم جهان مطاع شد آنکه عالی جامه حاکم  
خواروسمنان بشفقت شاهانه سرافراز گشته بداند که چون از هنگامی که مهره  
انجم بر تخته زدنگار فلک آبکون بدست قضایجه و کعبین عاج نیرین جهت  
تحصیل نقد سعادت کوئین بنقش شش جهت گردیده گنجور گنجینه وجود بمؤدای  
حقایقت اقتصادی قل اللهم مالک الملك تؤتی الملك من تشاء و تنزع الملك من  
تشاء و تنزع من تشاء بيدك الخير انك على كل شئی قادر درهم و دینار تمام عيار  
دولت واعتبار وزرده دهی پادشاهی و فرماندهی عرصه روزگار را جهت این  
دودمان خلافت و امامت و خاندان نبوت و ولایت در مخزن هستی در کمال تیز.  
دستی محفوظ و مضبوط داشته جهت سپاس این نعمت بـ قیاس و ادادی شکر این  
عارفه محکم اساس درینهود سعادت مهد که عذرای دولت روزافزون در آغوش و  
لیلای سلطنت ابدیرون دوش بدوش واولین سال جلوس میمفت مأنوس واوان  
شکفتای گلشن آمال عالم نفوس است همت صافی طویت مدللت گستر و ضمیر  
منیر مهرا صائعت شریعت پرورد بحکم آیه و افی هدایه الذين ان مکناهم فی الارض  
اقاموا الصلوة و اتوالز کوة و امرروا بالمعروف و انھوا عن المنکر باجرای اوامر و  
نواهی خالق کل عالم و خاتم الانبیاء و رسول بفحوای صدق انتمای اطیعو الله و اطیعو  
الرسول لعلکم تغلدون معظوف و مصروف داشته امر عالم مطبع شرف نفاذیافت

که بعضیون بالاغت مشحون قل انما حرم رب الفواحش مساظهر منها وما بطن پرد گیان پرده گشا پرده نشین و شاهدان چهره‌نما خلوت گزین بوده به انامل عصیان نقاب بیشتری از رخسار عفت باز تقدیمه دامن ذن آتش غصب دادار بی نیاز نگردن و ساکنان خطه ایمان و مقیمان دارالسعاده ایقان بعضیون حقیقت نمون یا ایهاالذین آمنوانا الخمر و المیسر والانصاب والازلام رجس من عمل الشیطان فاجتنبوا لعلکم نفلحون دست باللت قمار در از نگرده قبل از آنکه شتر نجی روزگار ایشان را در روزهای مات و فیل بنده بیرت و هیمان هنگامه عصات ساخته معلوم شود که آنچه برده باخته‌اند سالک طریق اجتناب بوده و به چو جه پیرامون آن عمل شنبیع نگردد وكل وجوه بیت اللطف و قمار خانه و چرس فروشی و بوره فروشی ممالک محروم سه را که هر سال مبلغهای خطیر می‌شد بتخفیف و تصدق فرقه‌سای اشرف مقر رفرمودیم و درین ایواب صدور عظام و علمای اعلام و فقهای اسلام و تیقه‌اینچه علی‌یحده مؤکده بلعن ابدی و طعن سرمهدی که موشح و مزین بخط گوهر شارهای ایون است بسلک تحریر کشیده‌اند می‌باید که آن‌عالیجاه بعد از شرف اطلاع بر مضمون رقم مطاع لازال نافذا فی الاقطار والاربع مقرر دارد که در کل محال تیول آن ایالت پناه‌سکنین و متوطنین بقاون اهل‌هـ شریعت غرا او طریق اطهـر ملت بیضا ناجع مناهج صلاح و سداد بوده مر تکب امور مذکوره نگردن و بدکاران رادر حضور اهالی شرع و کلانتران و دیش سفیدان محلات تویه داده و مر تکبین محرومـات مذکوره رانتـبه و تـأدب و التـزام بازیافت نموده هر گـاه اشـتغال بـآن افعالـهـمـیـهـهـ نـمـایـنـدـبـرـ نـهـجـ شـرعـ مـطـاعـ حدـ جـارـیـ وـ مـورـدـهـ اـخـذـهـ وـ باـخـواـسـتـ سـازـدـ وـ چـنـاجـهـ اـحـدـیـ باـعـمالـ شـنبـهـ دـیـگـرـیـ مـطـلـعـ گـشـتهـ اـعـلـامـ نـمـایـدـ آـنـ شـخـصـ رـابـنـوـعـ تـنـبـیـهـ نـمـایـدـ کـهـ مـوـجبـ عـبرـتـ دـیـگـرـانـ کـرـدـ وـ آـنـعالـیـجـاهـ بـملـتـ وـ جـوـهـاتـ مـزـبـورـهـ چـیـزـیـ باـزـ یـافتـ نـمـودـهـ نـگـذـارـدـ کـهـ هـیـچـ آـفـرـبـدـ،ـ بـداـنـجـهـهـ تـدـینـارـیـ طـمـعـ وـ تـوـقـعـ نـمـایـدـ وـ خـلـافـ کـنـنـهـ اـذـ مـرـدـوـزـنـ درـ گـاهـ الـهـیـ وـ مـحـرـ وـ مـانـ شـفـاعـتـ حـضـرـتـ رسـالـتـ پـناـهـیـ وـ مـسـتـحقـانـ لـعـنـتـ وـ نـفـرـینـ اـمـهـ طـبـیـبـنـ صـلـوـاتـ الـهـ عـلـیـهـمـ اـجـمـعـینـ اـهـالـیـ وـ اـبـاـشـ رـاـذـکـبـوـتـ پـرـپـرـانـیـ وـ گـرـکـ دـوـانـیـ وـ نـگـاـهـداـشـنـ گـاوـوقـوجـ وـ سـایـرـ حـیـوـانـاتـ جـهـتـ جـنـنـگـ وـ پـرـخـاشـ کـهـ باـعـثـ خـصـومـتـ

و عناد و انواع شورش و فساد است متنوع ساخته سدان آن ابواب را از لوازم شماره ده  
و دقیقه‌ای در استحکام احکام مطاء، و اشاعه و اجرای اوامر شریفه فروگذاشت  
تفعایل و اذ جوانب برای نجمله روند و رق قضاشیم معدالت‌مصمون را برعوم خلائق  
خوانده بر سرگه نقش و در مساجد جامعه نصب نمایند و درین ابواب قدغن دانسته  
هر ساله رقم مجدد طلب ندارند و در عهده شناسند تحریر افیشور شوال ختم بالخبر  
و الاقبال سنه ۱۱۰۶ (هزار و صد و شصت) .

پادشاهان دهر را سور	شاه سلطان‌حسین دین پرور
جوهر آمد ز کان عدل آن در	گوش کبته ذصیت او شد که
چون در اسلام طبل شاهی زد	رقم نسخ بر مناهی زد
حکم حتمی برای ترک‌حرام	کرد تبلیغ بر خواص و عوام
... . فیض کامل شد	که بخلقان چووحی نازل شد
خسرو کامکار عالیشان	صاحب جام و رتبه رستم‌خان
چون بعتریان حکم شدمایمود	شد منتش بحکمش ایندستور
باد از یمن ایزد متعال	اجر ... . اقبال
ایم رقم را بیاد گار کشید	حسن حاجی و قیسر سعید

ژوپن‌کاوه علوم انسانی و مطالعات فرنگی

## بنای چهار باغ اصفهان

از بنای چهار باغ دارالسلطنه اصفهان آما زمان  
سنہ ۱۱۸۲ صدو هفتاد و شش سال است و از بنای میدان  
نقش جهان تازه‌مان مزبور که هزار و صد و هشتاد و  
دو باشد صدو هفتاد دیگر است  
از کتاب خطی و قایع السنین خاتون آبادی .